



جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه (س) (۲)

اوضاع سیاسی و فرهنگی عصر موسوی - دولت عباسی ...

اوضاع سیاسی و فرهنگی عصر موسوی - دولت عباسی

گروههای مختلف فکری و سیاسی چون شیعیان، عباسیان و خوارج با امویان مخالف بودند و مخالفت گروههایی چون شیعه امامیه به سالهای آغازین عصر خلافت می‌رسید. به شهادت رساندن امامان شیعه موج خشم و نفرت را در میان شیعیان به حرکت درآورده بود و گاه این حرکتها به صورت قیامهایی علیه خاندان اموی خودنمایی می‌کرد.

عباسیان که به صورت خزنده حیات سیاسی خود را در دوره خلافت امویان شروع کرده بودند با دو پشتوانه دینی و دنیایی حکومت را به دست گرفته و احزاب مدعی را یکی پس از دیگری برکنار کردند. سابقه دنیایی آنها، اتکاء به سابقه اشرافیت قریشی بود که ریشه در پیمان سیاسی و تجاری يك قرن گذشته اعراب داشت و سابقه دینی آنها، اتصال به خاندان نبوت و وراثت فاطمی و علوی بود که در دل مردم مؤمن حجاز و عراق و یمن و ایران ریشه دوانده بود. (نقشه 5)

عباسیان از خاندان عموی پیامبر، #171'عباس; بودند و از خاندان مکی #171'هاشم; محسوب می‌شدند، همین سبب ادعای حقانیت خود را بر خلافت در چشم مؤمنان می‌آراستند، حال آنکه بنی‌امیه از این امتیاز محروم بودند. با این همه پس از استقرار حکومتشان با علویان همان رفتاری را نمودند که پیش از آنها خاندان اموی کرده بود.

خلفای معاصر حضرت معصومه (س)

حضرت فاطمه معصومه (س)، دخت گرامی امام موسی کاظم (ع) در سال 173 هجری تولد یافت و دولت عباسی از سال 132 هجری با به خلافت رسیدن ابوالعباس سفاح بوجود آمد و تا سال 656 هجری ادامه داشت. از این رو تمامی حیات حضرت معصومه (س) در دوره خلافت عباسیان بوده، بر خلاف امام کاظم (ع) که زوال حکومت اموی را شاهد بوده است. خلفای عباسی از آغاز حکومت تا انجام حیات حضرت معصومه (س) به قرار زیر است:

1 - سفاح 132 هجری - 2 منصور 136 هجری - 3 مهدی 158 ه.ق - 4 هادی 169 ه.ق - 5 هارون الرشید 170 ه.ق - 6 امین 193 ه.ق - 7 مامون 128 - 198 ه.ق (نقشه 6)

علامه سید جعفر مرتضی عاملی گوید: #171'عباسیان ناگزیر بودند که میان انقلاب خود و اهل بیت خط رابطی ترسیم کنند به چند دلیل:

نخست: آنکه بدین وسیله توجه فرمانروایان را از خویشتن به جای دیگر منصرف می‌ساختند.

دوم: آنکه مردم بیشتر به آنان اعتماد می‌کردند و از پشتیبانیشان برخوردار می‌گردیدند.

سوم: آنکه دعوت خود را بدین وسیله از ابتدال و برانگیختن شگفتی مردم می‌رهانیدند.

چه اینان در سرزمینهای اسلامی آنچنان از شهرت کافی برخوردار نبودند و مردم نیز برای هیچیک از آنان، بر خلاف علویان حق دعوت و حکومت را نمی‌شناختند. از این رو با وجود علویان، دعوت عباسیان اگر به سود خودشان آغاز می‌شد امری فریب‌آمیز و باور نکردنی می‌نمود.

چهارم: آنکه می‌خواستند اعتماد علویان را نیز به خود جلب کنند و این از همه برایشان مهمتر بود. چه می‌خواستند، بدین وسیله رقیبی در میدان تبلیغ و دعوت نداشته باشند و نمایش اینکه دارند، به نفع علویان تبلیغ می‌کنند، خود آنان را از تحرك باز دارند.

لیکن امام صادق (ع) مخالفت خود را با دستگاه عباسی اعلام کرد، رشته سیاست را از دست‌خليفة وقت خارج ساخته، خشم وی را به جان خرید. امام صادق (ع) پس از استواری حکومت منصور در جواب سؤال وی که چرا به دربار عباسی رفت و آمد نمی‌کند فرمود:

#171'ما کاری نکرده‌ایم که به جهت آن از تو بترسیم و از امر آخرت پیش تو چیزی نیست که بدان امیدوار باشیم و این مقام تو در واقع نعمتی نیست که آن را به تو تبریک بگوییم و تو آن را مصیبتی برای خود نمی‌دانی که تو را دلداری بدهیم، پس پیش تو چکار داریم?'

حکومت بر سرزمین پهناور اسلامی چنان منصور را مغرور کرده بود که مبانی سیاسی خلافت عباسی را به فراموشی سپرد و پیشوای علویان و امام شیعیان را به شهادت رساند.

قیام علویان

موضعگیری امام صادق (ع) و عکس العمل منصور، علویان را با فتنه سیاست‌بازان عباسی آشنا ساخت و پرده از پنهانکاری آنها برداشت. از این رو قیام علویان در مصر موسوی رو به اوج نهاد و مخالفت با خلافت عباسی فراگیر شد. برخی از قیامهای عصر عباسی به قرار زیر است:

1 - قیام محمد بن عبدالله محض (عصر امام صادق - 145 ه) - 2 - قیام ابراهیم بن عبدالله محض (عصر امام صادق - اول رمضان 145

ه) 3 - فراخوانی علی بن عباس بن حسن (عصر موسوی) 4 - قیام فح به رهبری حسین بن علی بن حسن مثلث (عصر موسوی، 169 ه) در قیام فح برخی از شخصیت‌های هاشمی و غیر هاشمی به شهادت رسیدند و بعضی چون #171؛ یحیی بن عبدالله بن حسن؛ و #171؛ ادريس بن عبدالله بن حسن؛ به ایران و مصر رفتند تا به خونخواهی رهبر قیام فح قیام‌های دیگری برپا دارند. هر چند یحیی در کار خود توفیق نیافت و پس از هجرت به منطقه #171؛ دیلم؛ به بغداد فراخوانده شد و به شهادت رسید، ولی ادريس از مصر به مراکش رفت و حکومت ادريسيان را بنا نهاد که تا دو قرن دوام آورد. حکومتی که به قول محمد جواد مغنیه نخستین حکومت شیعه شناخته شد.

موقعیت علمی و منابع مالی قیام کنندگان

عموم رهبران قیام در عصر موسوی و برخی از پیروان آنها از شاگردان مکتب امام صادق (ع) و شخصیت‌های برجسته علمی مذهبی عصر خود بودند که به پارسایی زندگی می‌گذراندند.

فهرست شماری از شخصیت‌های انقلابی مکتب جعفری به ترتیب زیر است:

1 - ابراهیم بن عبدالله محض 2 - محمد بن عبدالله محض 3 - حسین علی، رهبر قیام فح 4 - سلیمان بن عبدالله 5 - یحیی بن عبدالله بن حسن، صاحب دیلم و مرد شماره 2 قیام فح 6 - ادريس بن عبدالله بن حسن، پایه‌گذار حکوم ادريسيان با توجه به این نکته که قیام‌کنندگان عصر موسوی خود از عالمان دینی محسوب می‌شدند که مکتب امام معصوم (ع) را درک کرده، از آن بهره برده و آنگاه اقدام به قیام علیه عباسیان نموده بودند و تایید آنها چون قیام فح و گسترش آیین وکالت و پذیرش هدایای خلفای جور از سوی امام کاظم (ع)، ما را به این نکته هدایت می‌کند که منابع مالی قیام‌کنندگان علاوه بر غنایم جنگی، کمک‌های مالی امام (ع) بوده است.

شیخ صدوق نقل می‌کند زمانی که امام کاظم (ع) نزد هارون الرشید حاضر شده هارون غضب خود را پنهان کرد و به دلجویی امام پرداخت و پرسید: چرا به دیدار ما نمی‌آیی؟ امام فرمود: پهناوری کشورت و دنیا دوستی تو مانع از آن می‌شود.

پس از آن هارون الرشید هدایایی به آن حضرت داد و امام در رابطه با قبول هدایا فرمود: #171؛ به خدا قسم، اگر من در فکر تزویج افراد مجرد خاندان ابوطالب نبودم که تا نسل او برای همیشه قطع نشود، هرگز این هدایا را نمی‌پذیرفتم؛

از طرفی وقتی ائمه طاهرین (ع) می‌خواهند اصحاب خود را توثیق نمایند از عبارت #171؛ حزب آبائی؛ و #171؛ من حزبنا؛ استفاده می‌کنند. چنانکه امام رضا (ع) در توثیق اسماعیل بن خطاب و صفوان بن یحیی فرمایند: #171؛ رحم الله اسماعیل بن الخطاب، رحم الله صفوان، فانهما من حزب آبائی و من کان من حزبنا ادخله الله الجنة؛

به سبب اینکه قیام‌کنندگان ولایت ائمه طاهرین (ع) را پذیرفته و ائمه پیروی آنها را تایید کرده‌اند، در ردیف افراد حزب آنها، که همان حزب الله است داخل شده‌اند. پیشوایان دینی نیز سرپرستی آنها را پذیرفته و منابع مالی آنها را هم تامین می‌کنند. از این رو امام کاظم (ع) حتی هدایای خلفای جور را می‌پذیرد تا به خاندان ابوطالب رساند، خاندان پرشور شیعه‌ای که قیام‌های عصر موسوی را برپا می‌نمایند.

وکلا و کارگزاران امام کاظم (ع)

امام کاظم (ع) برای سامان بخشی به نظام فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شیعه و انسجام امت اسلامی، وکلا و کارگزارانی را در مناطق مختلف کشور پهناور اسلامی قرار داده بود تا جهان تشیع در زیر لوای سازماندهی واحد با امام علیه السلام در ارتباط باشند. این ارتباط موجب می‌شد تا امام بتواند به سؤالات مستحده پاسخ گوید، مسائل مالی چون پرداخت وجوهات از طریق وکلا به آسانی صورت پذیرد و نظام اقتصادی شیعیان سامان یابد. برخی از این وکلا که از اصحاب خاص امام کاظم (ع) شمرده می‌شوند، به قرار زیر هستند:

1 - اسامة بن حفص 2 - ایوب بن نوح 3 - نصر بن قابوس 4 - عبدالرحمن بن حجاج 5 - عبدالله بن جندب بجلی 6 - علی بن مهزیار 7 - علی بن یقطین

شهر آرمانی غدیر

با توجه به توسعه سازمان وکلا در عصر موسوی و قیام‌های مورد تایید مقام ولایت، هارون الرشید و دستگاه لافت بیمناک شدند. آنها می‌دانستند که امام هارون را غاصب خلافت پیامبر و زمامداری جهان اسلام می‌داند و اگر توان براندازی حکومت عباسی را داشته باشد، در آن تامل نخواهد کرد و با براندازی دولت عباسی، حکومت اسلامی بر مبنای اصول تعیین شده در فلسفه سیاسی اسلام را بنا خواهد نهاد.

قیام‌های پی‌درپی علویان نظام پوشالی عباسی و شعارهای دروغین رژیم سفاک هارونی را بر ملا ساخته بود و سازمان وکلا این فرصت را می‌داد تا امام برای آینده جهان اسلام اندیشه کند و در صدد مقابله با عباسیان برآید.

هارون در طی جلسات متعدد مسائلی را با امام کاظم (ع) در میان نهاد تا از اندیشه سیاسی امام آگاهی یابد. روزی به آن حضرت گفت: حاضر است #171؛ فدک؛ را به او برگرداند. امام فرمود: در صورتی حاضر فدک را تحویل بگیرم که آن را با تمام حدود و مرزهایش پس بدهی!

هارون پرسید: حدود و مرزهای آن کدام است؟

امام فرمود: اگر حدود آن را بگویم هرگز پس نخواهی داد.

هارون اصرار کرد و سوگند یاد نمود که این کار را انجام خواهد داد. امام در تعیین حدود آن فرمود: حد اولش: عدن، حد دوم آن: سمرقند، حد سوم: افریقا و حد چهارم آن نیز مناطق ارمنیه و بحر خزر است.

هارون که با شنیدن هر یک از این حدود، تغییر رنگ می‌داد و به شدت ناراحت می‌شد، نتوانست خود را کنترل کند و با خشم و ناراحتی گفت: با این ترتیب چیزی برای ما باقی نمی‌ماند!

امام کاظم(ع) فرمود: می‌دانستم که نخواهی پذیرفت و به همین سبب از گفتن آن امتناع داشتم. امام مجموع قلمرو اسلامی را حدود فدک معرفی کرد و با این بیان مشروعیت امامت و رهبری اهل بیت عصمت(ع) و تصاحب غاصبانه آن از سوی خلفا را بر ملا ساخت.

روزی دیگر هارون، امام موسی کاظم(ع) را کنار کعبه دید، رو به امام کرده و گفت: «تو هستی که مردم پنهانی با تو بیعت کرده، تو را به پیشوایی برمی‌گزینند؟« امام فرمود: «انا امام القلوب و انت امام الجسم«. «من امام دلها هستم و تو پیشوای تن‌هایی«.

زندانی شدن و شهادت امام کاظم(ع)

امام کاظم(ع) در زمان خلافت هارون دو بار زندانی شد. مدت زندانی شدن آن حضرت در مرتبه اول مشخص نیست ولی در مرتبه دوم از سال 179 تا 183 هجری قمری یعنی مدت چهار سال در زندان بود که به شهادت ایشان منجر شده است.

تاکید رسول اکرم(ص) بر اینکه امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان اویند، موجب شکوه و عظمت اهل بیت در میان مسلمانان شد. چنانکه روایات زیادی در باره نهادی شدن بزرگداشت اهل بیت(ع) در جوامع روایی شیعیان و اهل سنت آمده است. از جمله حدیث ثقلین و حدیث سفینه که از طریق دهها راوی نقل شده است.

عباسیان در مقابل این مقام الهی اهل بیت(ع) که شایستگی آنها را برای امامت و خلافت به اثبات می‌رساند، خود را بنی اعمام رسول خدا(ص) دانسته و اینگونه استدلال می‌کردند، زمان رحلت پیامبر(ص)، عباس عموی او زنده بود و با وجود او حقی برای فرزندان عموهای دیگر رسول خدا(ص) باقی نمی‌ماند. حال آنکه شیعه برای اثبات امامت هرگز به قانون وراثت توجهی نداشت. بلکه نصوص وارده از پیامبر و امام سابق در رابطه با تعیین امام بعدی را شرط امامت ائمه اثنی عشر می‌دانست. دولت عباسی سعی داشت حسین و فرزندان آنها را، فرزندان علی بن ابیطالب(ع) قلمداد نمایند و اذهان مردم را از اهل بیت به خود متوجه سازند. این‌اثیر سبب زندانی شدن امام کاظم(ع) را اینگونه نقل می‌کند:

هارون الرشید در رمضان 179 ه.ق به مقصد حج عمره به مکه می‌رفت که در سر راه خود به مدینه آمده و وارد روضه رسول خدا(ص) شد پس از زیارت مرقد مطهر برای جلب توجه مردم در رابطه با نسب خویش به رسول خدا(ص) این چنین سلام داد: «السلام علیک یا رسول الله یابن عم« سلام بر تو ای رسول خدا، ای پسر عمو«. در این هنگام موسی بن جعفر(ع) که در آن مجلس حاضر بود، پیش آمده و خطاب به رسول خدا(ص) فرمود: «السلام علیک یا ابا« سلام بر تو ای پدرم«. با شنیدن این سخن رنگ از رخسار هارون پریده و خطاب به امام کاظم(ع) گفت: «هذا الفخر، یا اباالحسن جدا« به واقع این مایه افتخار است یا اباالحسن، و سپس دستور توقیف آن حضرت را صادر کرد.

امام از زندانی به زندان دیگر انتقال یافت و به سبب فضایل اخلاقی زندانبانان را تحت تاثیر قرار داد تا در بیست و پنجم رجب سال 183 هجری قمری در زندان سندی بن شاهک به شهادت رسید. و در باب التین بغداد مقبره قریشی‌ها به خاک سپرده شد.

حضرت معصومه(س) در عصر شهادت پدر

حضرت فاطمه معصومه(س) در سال 173 هجری قمری به دنیا آمد و حضرت امام موسی کاظم(ع) 183 هجری به شهادت رسید، از این رو حضرت معصومه(س) در عصر شهادت پدر بزرگوارش ده سال و برادر ارجمندش حضرت امام رضا(ع) سی و پنج سال داشتند. در میان خاندان طهارت و امامت فرزندان توسط بزرگان خانواده آموزش داده می‌شدند و علوم الهی را از پدر، مادر و برادر فرا می‌گرفتند. در عصر موسوی نیز این سیره حسنه ادامه داشت و حضرت معصومه(س) از همان دوران کودکی به آموزش علوم دینی می‌پرداخت. استعداد ذاتی، طهارت روح و برخورداری از استادان معصوم که از علوم الهی بهره وافی دارند، وی را به مرحله‌ای از کمال علمی رساند که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه‌ای نوشته و به خاندان امامت بردند. حضرت موسی بن جعفر(ع) در سفر بود و امام رضا(ع) در مدینه تشریف نداشت. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند، از اینکه خدمت امام رضا(ع) نرسیده بودند و دست‌خالی بدون پاسخ به سؤالات علمی و دینی خویش به وطن برمی‌گشتند، بسیار اندوهگین بودند.

حضرت فاطمه معصومه(س) که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شده و پاسخ پرسشهای آنان را نوشت و به آنها عنایت فرمود. شیعیان مدینه را با سرور و شادی ترک کردند، در بیرون مدینه با امام کاظم(ع) مواجه شده و واقعه را به اطلاع حضرت رساند و دستخط حضرت معصومه(س) را به امام ارائه دادند. حضرت امام کاظم(ع) پس از مطالعه جواب سؤالات، شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند: «فداها ابوها، پدرش به فدایش«.

از این رو حضرت معصومه(س) در عصر رضوی علاوه بر اینکه از خاندان امام کاظم(ع) شناخته می‌شد، از بانوان دانشمند، محدثه و پارسای عصر خویش محسوب می‌گشت و با وجود ناآرامی‌ها و ناملایمات فراوان چهار روایت از آن بانوی مکرمه به دست ما رسیده که در محور اصول اعتقادی شیعه و تاکید به وصایت حضرت امیرالمؤمنین و تثبیت جایگاه غدیر در فرهنگ تشیع است.

